

نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیستم، شماره ۵۶، بهار ۹۹

شناسایی و تحلیل اثرات خزش شهری بر وضعیت توسعه نواحی روستایی پیرامون (مطالعه موردی: روستاهای پیرامون شهر مریوان)

دریافت مقاله: ۹۷/۲/۱۳ پذیرش نهایی: ۹۷/۷/۹

صفحات: ۷۴-۵۵

سعدی محمدی: استادیار رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران^۱

Email: Saadi@pnu.ac.ir

اسکندر مرادی: استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: nebez1977@gmail.com

شرمین حسینی: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

Email: saadi1390@gmail.com

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی پیامدهای ناشی از پدیده خزش شهری در مریوان و اثرات آن بر توسعه روستاهای پیرامونی می‌باشد. گردآوری اطلاعات در بخش نظری به روش اسنادی و در بخش میدانی، به روش پیمایشی مبتنی بر مصاحبه با آگاهان و مردم محلی است. جهت شناسایی پیامدهای خزش شهری، توزیع طبقه‌ای پرسش‌نامه در میان روستاهای مورد مطالعه به روش تصادفی ساده در میان ۲۰۳ نفر از سرپرستان خانوار که با فرمول کوکران تعیین حجم گردیده‌اند و ۳۰ نفر از متخصصان توسعه و آگاهان محلی و مشاهده وضع موجود، جهت تعمیم یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها استفاده شده است. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها با تکنیک تئوری بنیادی در بخش کیفی و آزمون t تک نمونه‌ای در بخش کمی، نشان داد که پدیده خزش شهری علاوه بر پیامدهای مثبت و محدود در بهبود وضعیت کالبدی، موجب شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، تخریب محیط طبیعی و مدیریتی - نهادی در وضعیت توسعه روستاهای مورد مطالعه شده است.

کلید واژگان: خزش شهری، توسعه روستایی، تکنیک تئوری بنیادی، دید فضایی، شهر مریوان.

مقدمه

شهرها و روستاها به عنوان مراکز اصلی تجمع انسان‌ها و شکل‌دهنده اصلی بنیان‌های جغرافیایی یک ناحیه می‌باشند که دارای روابط خاص با تکیه بر ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی و فضایی با یکدیگر هستند. این کانون‌های سکونتگاهی در گذر تاریخ و به تبعیت از شرایط مکانی و زمانی آن ناحیه، شاهد دگرگونی اساسی در ساختار و کارکرد خود بوده‌اند. بدنبال تغییر در فضای محیطی اینگونه جوامع، روابط و پیوندها و نوع مناسبات میان این دو عرصه جمعیتی دستخوش تحولات بنیادین گردیده است (افراخته، ۱۳۹۲: ۱۰). یکی از تغییرات مهم در مناسبات این سکونتگاه‌ها، گسترش یا خزش شهرها به محدوده روستاهای پیرامون می‌باشد. با گسترش فضای شهری، میزان ناهنجاریهای شهری در نواحی حاشیهای افزایش می‌یابد. محیط اجتماعی و مسکونی، ساختارهای نامناسب شغلی، ناکامی اجتماعی و فقر اقتصادی، زمینه بروز آسیب‌های شهری و رشد بی‌رویه و لجام‌گسیخته ناهنجاریها و نیز گسترش ناامنی اجتماعی را در حاشیه فراهم می‌آورد. (کارگر و سرور، ۱۳۹۰: ۸) گسترش ناموزون شهری، پدیده‌ای است که در نیمه دوم قرن بیستم در اکثر کشورهای جهان اتفاق افتاده است به طوری که نواحی کلانشهری با فشار در درون نواحی روستایی رشد کرده و سکونتگاه‌های روستایی مورد مهاجرت سریع قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، در طول نیمه دوم قرن بیستم، مهاجرت به مرکز شهر وارونه شده و جمعیت به خارج از شهر و در داخل حومه‌ها سرریز شده‌اند (Krieger, 1999: 16). در واقع خزش شهری از ویژگی‌های شناخته شده بیشتر شهرهای کشورهای در حال توسعه است که از نظر اجتماعی و اقتصادی چشم- اندازی از فقر، اسکان غیررسمی، کاربری غیرقانونی اراضی در حاشیه شهرها، فقدان یا کمبود شدید امکانات زیرساختی و خدمات عمومی را نشان می‌دهد (Lungo, 2001: 37). کشور ایران نیز همچون سایر کشورهای در حال توسعه شاهد چنین روندی بوده است. تحولات نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران به خصوص از دهه ۱۳۴۰ به بعد و گسترش شتابان شهرنشینی و به تبع آن افزایش جمعیت شهرها در اثر روندهای مهاجرتی از روستا به شهر، مهم‌ترین عامل و منشاء تغییرات روستاها در اثر گسترش شهرنشینی نابسامان کشور بوده است (نظریان، ۱۳۸۵: ۸۵). در این میان، شهر مریوان به عنوان یکی از شهرستان‌های مرزی در استان کردستان نیز که به مانند اغلب شهرهای کشور، پدیده خزش شهری را تجربه کرده است در دهه‌های اخیر، اراضی پیرامون و چهره جوامع روستایی واقع در حوزه نفوذ شهر، تحت تأثیر افزایش شدید جمعیت و به تبع آن گسترش فضایی، تغییرات قابل توجهی را به خود دیده است. نقش خوابگاهی و کارگاهی بسیاری از روستاهای پیرامونی شهر، باعث جابه‌جایی سریع و تراکم شدید جمعیت شده و بافت ارگانیک و سنتی این روستاها را به هم ریخته است. به این ترتیب، در اکثر روستاهای پیرامونی، حجم وسیعی از جمعیت که هیچگونه وابستگی ریشه‌ای به محل سکونت خود ندارند، تجمع یافته‌اند. از آنجایی که گسترش فضائی شهر بالاخص در سال‌های اخیر بصورت گسترش غیرارگانیک بوده، دگرگونی‌هایی را در روستاهای اطراف مریوان به دنبال داشته که این دگرگونی‌ها در ابعاد مختلف پیامدهایی را شکل داده است. در همین راستا پژوهش حاضر به بررسی اثرات و دگرگونی‌های ناشی از پدیده خزش شهری در وضعیت توسعه پسرکانه‌های روستایی مجاور شهر مریوان می‌پردازد. در راستای تحقق این هدف، سوال اصلی پژوهش بدین‌گونه مطرح می‌شود: خزش شهری، در ابعاد مختلف چه پیامدهایی را در وضعیت توسعه نواحی روستایی پیرامون شهر مریوان به دنبال داشته است؟

پیشینه پژوهش

با توجه به گستردگی پدیده خزش شهری در عرصه داخلی و بین المللی، پژوهش‌های زیادی در این ارتباط انجام گرفته است، خلاصه ای از این پژوهش‌ها در جدول (۱) آورده شده است.

جدول (۱). خلاصه ای از پیشینه مطالعات انجام شده در حوزه تحقیق

نویسنده / نویسندگان	عنوان پژوهش	نتایج
سعیدی و همکاران (۱۳۹۲)	الحاق شهری سکونتگاههای روستایی پیرامون شهر زنجان؛ مورد: روستاهای سایان و گاوازنگ	روند الحاق سکونتگاه‌های روستایی پیرامون زنجان، پیامدهای متعددی نظیر افزایش جمعیت به واسطه ورود مهاجران روستایی و شهری و به دنبال آن پیدایش حاشیه نشینی، تغییر کاربری اراضی کشاورزی به مسکونی و خدماتی، آلودگی و مسائل زیست محیطی سکونتگاههای ملحق شده به شهر و... را فراروی روستاهای سایان و گاوازنگ و همچنین شهر زنجان قرار داده است.
افراخته و حجتی پور (۱۳۹۲)	خزش شهری و پیامدهای آن در توسعه پایدار روستایی مطالعه موردی: روستاهای پیرامونی شهر بیرجند	خزش شهری فضای روستاهای پیرامونی را در خود حل نموده و اراضی روستایی نیز به کاربری مسکونی تبدیل شده است. همچنین منجر به تحول ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدیریتی و خدماتی روستاهای پیرامون شده است.
جلالیان و همکاران (۱۳۹۲)	تحلیل خزش شهری و تحولات کاربری اراضی (مطالعات تطبیقی شهرهای ارومیه و اصفهان)	نتایج پژوهش در این دو شهر در طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۳۵ نشان می‌دهد که گسترش فیزیکی این شهرها، به ویژه در ارومیه، بیش از نیاز واقعی جمعیت آن بوده و در نتیجه، روند تبدیل زمین‌های کشاورزی و روستایی پیرامون آنها به ویژه در ارومیه با شدت ادامه یافته است.
وارثی و همکاران (۱۳۹۱)	تحلیلی بر عوامل خزش شهری و رشد فیزیکی شهر گناباد با استفاده از مدل‌های آنتروپی و هلدرن	نتایج نشان می‌دهد که طی ۱۰ سال گذشته گسترش فیزیکی شهر گناباد کم‌تر شده است ولی این گسترش هم به صورت پراکنده و غیر مترکبم بوده است.
چالتو تافا ^۲ (۲۰۱۴)	تحلیل فضایی و زمانی خزش شهری در شهر دایرداوا در ایتوپپی شرقی	با توجه به تحلیل فضایی - زمانی، خزش شهری در شهر دایرداوا (ایتوپپی شرقی) گسترش چشمگیری داشته است و همچنین این گسترش باعث تغییرات عمده در پوشش اراضی کشاورزی نواحی روستایی در منطقه شده است.
بنایی ^۳ (۲۰۱۴)	خزش مراکز شهری: تعاریف، داده‌ها، روش‌های اندازه‌گیری، اثرات زیست محیطی مطالعه موردی شهر ممفیس	با توجه به پیامدهای زیست محیطی خزش شهری در شهر ممفیس، هرچه خزش شهری افزایش پیدا می‌کند اثرات منفی زیست محیطی (پوشش گیاهی، پوشش جانوری زمین‌های کشاورزی و...) در منطقه افزایش پیدا می‌کند.
بی‌آنسا ^۴ (۲۰۱۲)	خزش شهری و تغییر کاربری اراضی در نواحی کلانشهری رومانی در پیرامون کلانشهر بوخار	تغییرات کاربری اراضی شدیدی در نواحی پیرامونی کلان شهر بوخارست رخ داده؛ که مهم‌ترین آن تبدیل و تغییر کاربریها در زمینهای اراضی کشاورزی بوده است. در این رابطه، خزش شهری کلان شهر بوخارست اراضی کشاورزی را تبدیل به ساخت و سازهای شهری، صنعتی و تجاری به ویژه در مجاور کانون‌های شهری و درامتداد جاده‌های اصلی در درون منطقه کلان شهری کرده است.
اگلین ^۵ (۲۰۱۰)	منطقه روستایی جدید: بررسی خزش روستایی	نویسنده مقاله خزش روستایی را حاصل گسترش روستاها به خارج و به هم پیوستن آن با روستای بعدی تفسیر می‌کند. به اعتقاد وی الگوی جدیدی در روستاها در حال ظهور است

2-Chaltu Taffa

3-Banai

4- Bianca

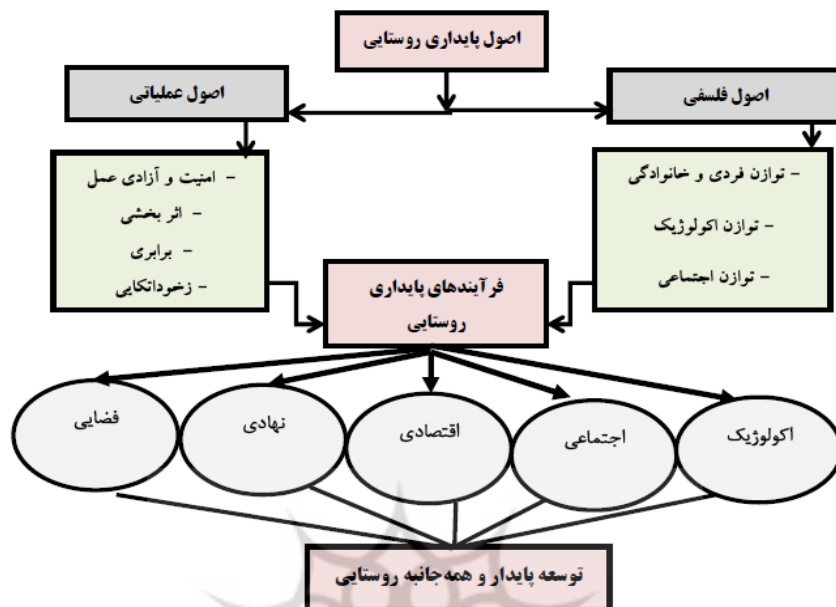
5-Eglin

که نیاز به درک و شناخت آن می‌باشد و لازم است که محدودیتها و راههای جلوگیری از آن شناسایی شود.		
ادغام روستا و شهر از منظر رشد ناموزون شهر و توسعه فیزیکی آن و همچنین از نظر تغییر کاربری اراضی در روستاهای مجاور شهری تأثیرات بسیاری (افزایش جمعیت، نابودی اراضی کشاورزی و ...) داشته است.	توسعه شهری آدانا در ترکیه و اثرات زیست محیطی آن	دوگان ^۶ (۲۰۰۵)

در مجموع اگر چه در رابطه با موضوع مورد مطالعه، پژوهش‌های فراوانی توسط محققین داخلی و خارجی انجام گرفته اما عمده این پژوهش‌ها به صورت تک بعدی بوده و بیشتر مسائل مربوط به اثرات منفی زیست محیطی و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی را در بر می‌گیرد اما در پژوهش حاضر با توجه به اینکه حجم زیادی از شاخص‌ها در هر پنج بعد توسعه پایدار روستایی (ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی، فضایی- کالبدی و مدیریتی- نهادی) به صورت همه جانبه مورد تحلیل قرار گرفته، متمایز از سایر تحقیقات می‌باشد به عبارتی دیگر از جمله تفاوت‌های این پژوهش با سایر پژوهش‌ها، تحلیل همه جانبه تمامی ابعاد توسعه پایدار روستایی با استفاده از شاخصهای ترکیبی است.

مبانی نظری

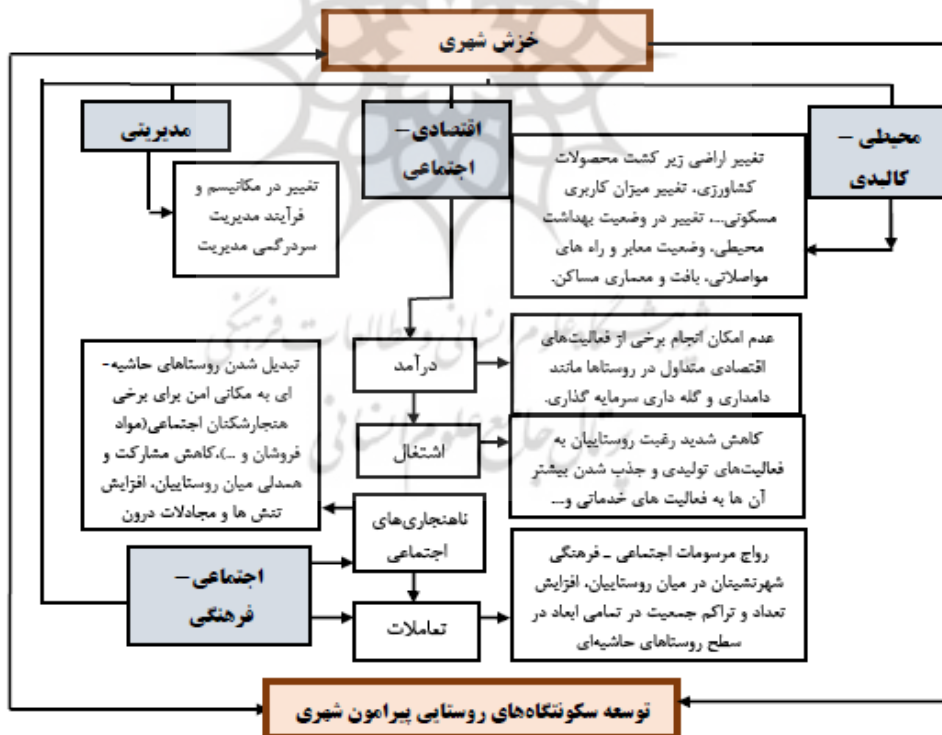
تعریف توسعه در طول زمان با توجه به تغییر و تحولات جامعه بشری دچار دگرگونی‌های متعددی گشته است. در یک تعریف کلی می‌توان توسعه را فرآیند بهبود وضع زندگی مردم دانست. توسعه نواحی روستایی به منظور دگرگون سازی ساختار اقتصادی و اجتماعی جزئی از فرآیند توسعه ملی است. با توجه به نابرابری‌های شدید بین نواحی روستایی و شهری که زمینه ساز گسترش فقر و بی عدالتی و در نتیجه مهاجرت، تخلیه روستاها و انحطاط منابع آب و خاک روستاها گشته است، ضرورت توسعه روستایی کاملاً به چشم می‌خورد. در اکثریت تعاریف توسعه اقتصادی دیدگاه غالب بر توسعه جوامع روستایی است. آسیب‌پذیری، بی‌عدالتی و محرومیت موضوع‌های عمده‌ای هستند که جوامع روستایی با آن مواجه‌اند (Barrios, 2007:7) و جریان توسعه می‌بایست مرتفع‌کننده و پاسخگوی این معضلات باشد. حوزه‌های روستایی به عنوان قاعده نظام سکونت و فعالیت ملی نقشی اساسی در توسعه ملی ایفا می‌کنند، چرا که توسعه پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام روستایی به عنوان زیر نظام تشکیل‌دهنده نظام سرزمین است. (رضوانی، ۱۳۸۸:۲). جهت دستیابی به پایداری روستایی یا همان توسعه پایدار روستایی اصول و فرآیندهایی تأثیر گذارند، این اصول و فرآیندها در شکل (۱) آمده است.



شکل (۱). اصول و فرایندهای توسعه پایدار روستایی، منبع: (اسماعیل زاده، ۱۳۹۲: ۲۰)

بر مبنای رهیافت توسعه پایدار به عنوان رویکرد و نگرش غالب در پوییش ساختاری و کارکردی فضا در هزاره سوم که بر استفاده از منابع محیطی به شرط رعایت حقوق و آیندگان تأکید دارد (Yamaguchi, 2009: 9; Dryzek, 1997: 126)، با خزش شهرها و تسخیر بسترهای فضایی سکونتگاه‌های روستایی پیرامونی، مسائل شهری در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فضایی - کالبدی با ساختارهای روستایی ممزوج می‌گردد. الگوی خزش شهری از دهه ۱۹۶۰ درگفتمان شهری به طور جدی مطرح و تا مدت‌های مدیدی به عنوان پدیده‌ای مختص شهرهای آمریکایی در نظر گرفته می‌شد که به خاطر وفور زمین‌های ارزان، ساخت بی‌رویه جاده‌ها و تولید بیش از اندازه ماشین در این کشور رخ داد. اما این امر امروزه به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده است که بیشتر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه با آن روبرو هستند (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۴). مهم‌ترین عامل این پدیده را می‌توان رشد روزافزون جمعیت و افزایش مهاجرت‌های روستایی-شهری دانست. با خزش شهرها و تسخیر بسترهای فضایی سکونتگاه‌های روستایی پیرامونی، مسائل شهری در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فضایی - کالبدی با ساختارهای روستایی ممزوج می‌گردد که نمود عرصه‌ای آن تغییر کاربری زمین‌های عرفی مناطق روستایی است. همچنین، می‌توان گفت بازتاب اکولوژیکی شهرها و به ویژه شهرهای بزرگ و روند رو به رشد جمعیت آنها در گسترش فضایی یا کالبدی شهرها، دست‌اندازی به زمین‌های کشاورزی و منابع طبیعی پیرامون است (افراخته، ۱۳۹۲: ۱۶۴). در مجموع می‌توان یکی از پیامدهای عمده خزش شهری را تغییر کاربری اراضی پیرامون شهری که غالباً متعلق به فضاهای روستایی است، برشمرد. در واقع خزش شهری همیشه منجر به تغییر کاربری اراضی می‌شود، حال ممکن است این تغییر در زمین‌های زراعی و باغی و یا در جنگل‌ها و دامنه‌های کم و بیش شیب‌دار کوه‌ها و تپه‌ها صورت پذیرد. (جلالیان و

همکاران، ۱۳۹۲:۷۸). در عصر حاضر نیز بر اساس رویکرد زیست محیطی و پایدار محور حاکم بر نظامات فکری و اجرایی ملل، مقوله تغییرات کاربری اراضی از عمده نگرانی‌هایی است که مورد توجه جدی قرار دارد (Ostrom, 1994:105, Turner & Meyer, 1990:100). چرا که تغییر در کاربری اراضی روستایی سبب تحول در ساختار اقتصادی روستاها و از بین رفتن اراضی کشاورزی به عنوان یکی از اصلی‌ترین بنیان‌های تولید در این فضاها و همچنین آسیب جدی به سایر منابع از جمله منابع آب، زیستگاه‌های حیات وحش و منابع خاک به لحاظ کاهش مواد آلی، تغییر در رطوبت و شورشدن آن می‌گردد. (Doygun, 2005:57). از سویی دیگر نیز، روستاهای الحاقی به دلیل ادغام با شهرها از روند عادی خود دور شده و هنجارهای آنها دچار تغییر و تحولات گشته است و ساخت و سازهای نامأنوس و ناهماهنگ با نظام شهرسازی در آنها به وجود آمده است که دیگر نه از سبک منسجم مسکن روستایی خیری است و نه از سبک مهندسی شهر، که به نوعی اسکان غیر رسمی شکل می‌گیرد (نجفی‌کانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳). در واقع خزش شهری، مؤلفه‌های اساسی و مهمی هم چون پایداری منابع طبیعی (نظیر خاک به عنوان یکی از اصلی‌ترین سرمایه‌های تولیدی فضا)، روند رو به رشد تولید مولد، حفظ آرامش اجتماعی فضا، پرورش افراد مسئول و روح بخش‌بودن ساخت و ساز و بافت‌های کالبدی را در نواحی روستایی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این راستا مدل مفهومی پژوهش به صورت شکل (۲) ارائه می‌گردد.



شکل (۲). مدل مفهومی پژوهش (تأثیرات پدیده خزش شهری بر توسعه نواحی روستایی پیرامون)

منبع: (نویسندگان، ۱۳۹۶)

روش تحقیق

پژوهش حاضر از منظر ماهیت کاربردی و به لحاظ روش توصیفی-تحلیلی بوده است. رویکرد حاکم بر پژوهش، رهیافتی ترکیبی از دو روش کمی و کیفی است. بدین ترتیب در ابتدا به روش کیفی اطلاعات مورد نیاز به منظور شناسایی مهم ترین پیامدها و تاثیرات پدیده خزش شهری شهر مریوان بر توسعه پایدار نواحی روستایی پیرامون گردآوری شده و سپس با استفاده از رویکرد کمی، اطلاعات حاصله مورد تجزیه و تحلیل و تعمیم قرار گرفته اند. جامعه آماری این پژوهش را دو گروه مردم محلی یعنی روستاییان ساکن در روستاهای مورد مطالعه و نیز گروه متخصصان و آگاهان در برگیرنده مسئولین اجرایی، مدیران و متخصصان توسعه روستایی آشنا به شرایط منطقه دربر می گیرد. جهت تعیین حجم نمونه در گروه سرپرستان خانوار با اعمال فرمول کوکران از میان ۹۶۵ خانوار روستاهای مورد بررسی (سرشماری ۱۳۹۵) ۲۰۳ خانوار به عنوان حجم نمونه تعیین شده اند. در ادامه به منظور توزیع پرسشنامه‌ها در میان سرپرستان خانوار روستاهای نمونه، به روش تمام شماری به تمام روستاهای مورد بررسی یعنی روستاهایی که در حریم شهر مریوان قرار گرفته‌اند و متأثر از پدیده خزش شهری هستند، پرسشنامه تعلق گرفت و سپس در ادامه به روش طبقه‌ای به نسبت سهم هر روستا با توجه به تعداد خانوارهای آنها از کل جامعه آماری، پرسشنامه‌ها در میان سرپرستان خانوار روستاهای مورد بررسی به صورت تصادفی ساده توزیع گردیدند.

جدول (۲). روستاهای نمونه و توزیع کل پرسشنامه‌ها در بین آن‌ها

نام روستا	تعداد خانوار	تعداد پرسشنامه
تازه‌آباد	۳۶۷	۷۵
لنج‌آباد	۱۹۶	۴۲
رشه‌ده	۱۲۶	۲۷
حسن‌آوله	۹۹	۲۲
موسک	۱۷۶	۳۸
جمع	۹۶۴	۲۰۳

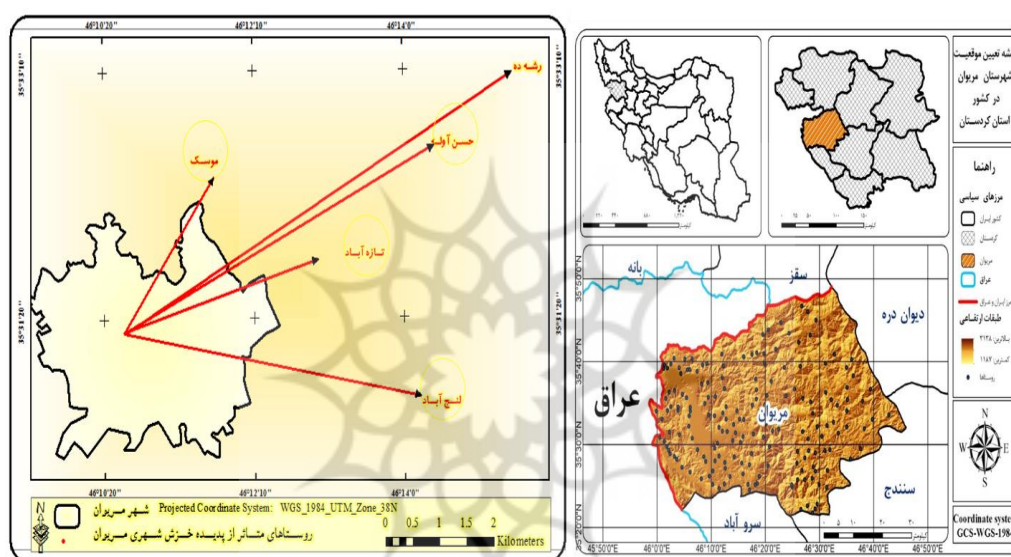
در گروه مسئولین و متخصصان آگاه به شرایط منطقه تعداد ۳۰ پرسشنامه توزیع گردید با توجه به ارتباط متقابل و وابستگی روستاهای پیرامون شهری با شهر مرکزی، سعی گردید که از مسئولین و مدیران اجرایی هر دو عرصه یعنی روستا و شهر نظرخواهی بعمل آید. لازم به ذکر است، جهت تعیین افراد پاسخگو در این گروه از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی گلوله برفی استفاده و افراد مورد نظر، شناسایی گردیدند.

جدول (۳). توزیع پرسشنامه‌ها در میان گروه مسئولین و آگاهان

مسئولین و آگاهان	تعداد پرسشنامه تعلق گرفته
شورای شهر	۶
شورای روستا	۱۲
شهردار	۱
کارمند شهرداری	۵
دهیار	۴
متخصصان دانشگاهی عرصه برنامه‌ریزی روستایی	۲
مجموع	۳۰

جهت تجزیه و تحلیل داده های گردآوری شده در بخش کیفی از تکنیک تئوری بنیادی و در بخش کمی از آزمون t تک نمونه ای بهره گرفته شد.

شهرستان مریوان به مرکزیت شهر مریوان یکی از ۱۰ شهرستان استان کردستان در غرب استان و در مجاورت خاک عراق قرار دارد. این شهرستان دارای ۳ بخش مرکزی، سرشیو و خاوومیرآباد، چهار شهر مریوان، برده رشه، کانی دینار، چناره و شش دهستان و ۱۷۴ آبادی می باشد. منطقه مورد مطالعه شش روستای اطراف شهر مریوان از استان کردستان را در بر می گیرد که در فاصله ۱ الی ۶ کیلومتری شهر مریوان واقع شده اند (شکل ۳).

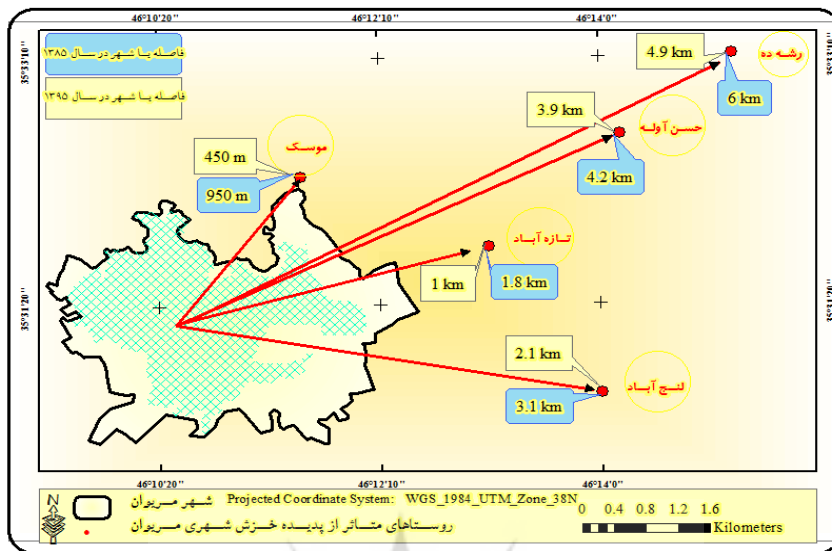


شکل (۳). موقعیت منطقه مورد مطالعه

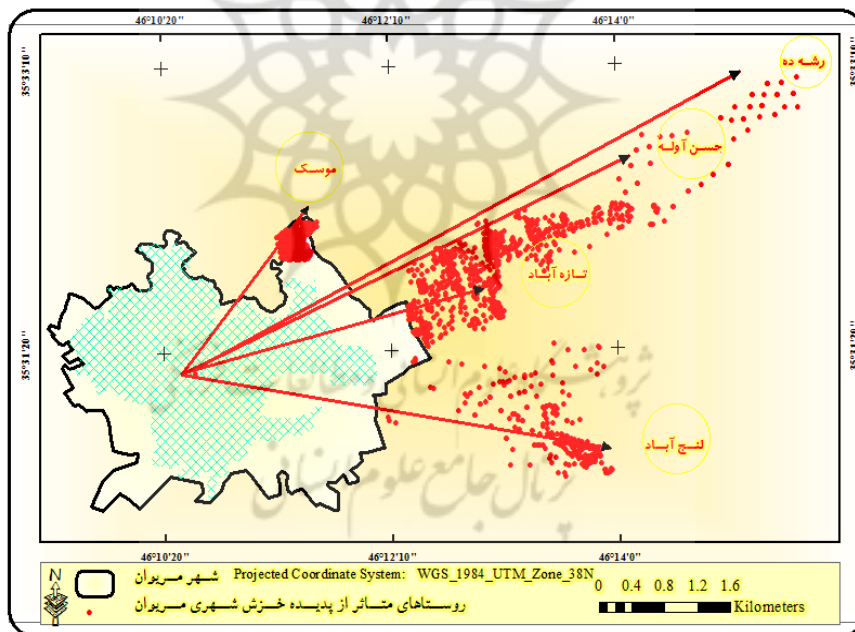
نتایج

یافته های توصیفی

همانطور که در اشکال (۴ و ۵) نشان داده شده، توسعه شهر و پدیده خزش شهری به سمت روستاهای طی سال-های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵، حاکی از آن است که بیشترین خزش شهری به ترتیب در روستای موسک و سپس روستاهای تازه آباد، لنج آباد، حسن آوله و سپس رشده اتفاق افتاده است.



شکل (۴). نمایش تفاوت فاصله نواحی روستایی پیرامونی با مریوان به واسطه پدیده خزش شهری از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵
منبع: (برگرفته شده از طرح تفصیلی شهر مریوان)



شکل (۵). نمایش وضعیت روستاهای مورد مطالعه نسبت به پدیده خزش شهری از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵
منبع: (نویسندگان، ۱۳۹۶)

یافته‌های کیفی

در این مرحله مصاحبه‌های انجام شده در ارتباط با اثرگذاری خزش شهری بر وضعیت توسعه پایدار روستاهای مورد مطالعه در سه مرحله کدگذاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. لازم به ذکر است، مصاحبه‌ها تا شنیدن

پاسخ‌های تکراری یعنی تحقق اصل اشباع نظری به صورت نیمه‌ساختارمند ادامه یافتند که این امر نیز از طریق مصاحبه با ۵ نفر از متخصصان عرصه توسعه روستایی شهرستان، ۳ نفر از پرسنل مدیریتی شهرداری مریوان، ۶ نفر از شوراهای و دهیارهای روستاهای مورد مطالعه و ۸ نفر از آگاهان مردم محلی که به روش گلوله برفی شناسایی شدند، انجام گرفت. فرآیند کدگذاری مصاحبه‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی به شرح زیر می‌باشد:

کدگذاری باز

در این مرحله در ابتدا جملات به عنوان واحد مطالعه انتخاب شدند. بعد از آن کلمات و عبارات کلیدی که خلاصه پیام اصلی جملات بودند استخراج گردیدند، سپس برچسپ‌های مفهومی مناسبی به هریک از عبارت و نکات کلیدی استخراج شده با توجه به اشتراک و شباهت آنها اختصاص داده شد. در واقع کدگذاری باز، یک فرایند تفسیری و مقایسه‌ای است، در این مرحله داده‌ها تجزیه شده و به منظور رسیدن به یک مفهوم جدید ترکیب می‌شوند. منظور از تجزیه این است که به هریک از رخدادها و ایده‌های مهم (نکات کلیدی) موجود در داده‌های مصاحبه نامی را اختصاص می‌دهیم. این نام یا کد به جای آن رخداد یا ایده می‌نشیند (فرتوک زاده، وزیری، ۱۳۸۸:۸۲). در واقع کدها عباراتی کوتاه هستند که دغدغه و تاکید مصاحبه شونده بر نکته‌ای خاص را شامل می‌شوند (دانایی فرد، ۱۳۸۴:۶۰) اکنون که عبارات کلیدی کد گذاری شدند، آن دسته از کدها که اشاره به موضوعی مشترک دارند، گروه بندی و با هم ادغام می‌شوند. این محور مشترک خود را در عنوانی به نام مفاهیم متجلی می‌سازد (دانایی فرد، ۱۳۸۴:۶۲).

کدگذاری محوری

در کدگذاری محوری، مفاهیم گسترده‌تر و به هم مرتبط می‌شوند و در دسته‌های مشترک یا مقوله‌ها جای می‌گیرند (Celman, 2007:16) به عبارتی دیگر در این مرحله طبقاتی گسترده شکل می‌گیرند که هر یک دارای خرده طبقاتی هستند (دهکردی و کلانتری، ۱۳۹۰:۱۵).

کدگذاری انتخابی

فرایندی است که به مشخص شدن مقوله مرکزی و تعیین کننده منجر می‌شود. در واقع در این مرحله چارچوب تئوری تحقیق شکل می‌گیرد (Celman, 2007:16) کدگذاری انتخابی، مرحله اصلی نظریه پردازی است که بر اساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری به تولید تئوری، می‌پردازد. این مرحله از تحلیل، فرآیند یکپارچه سازی مقوله‌ها است به این ترتیب که با کنارهم قرار دادن مقوله‌ها، حول مقوله محوری به عنوان مضمون اصلی، یک روایت تئوریک برای موضوع ارائه می‌گردد (فرتوک زاده و وزیری، ۱۳۸۸:۸۴). بنابراین در این مرحله مقوله‌ها به منظور رسیدن به یک مقوله مرکزی، ترکیب می‌شوند. پس از انجام این سه مرحله کدگذاری، نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها در جدول (۴) آورده شده اند.

جدول (۴). تشکیل مقوله‌های مرکزی در کدگذاری انتخابی

مقوله های مرکزی	مقوله ها	مفاهیم مشترک
نارسایی های اجتماعی	تغییر ارزش و ساختارهای اجتماعی	عدم تمایل روستاییان به انجام برخی از فعالیت‌های اقتصادی متداول در روستاها مانند دامداری و...، افزایش تجمل‌گرایی و گرایی به خرید کالاهای لوکس در میان روستاییان، افزایش ویژگی‌های مصرفی نسبت به ویژگی‌های تولیدی در بین روستاییان، خلوت شدن روستاها و گذراندن اوقات فراغت روستاییان در شهر، تغییر ساختمان جمعیت، افزایش نگران کننده جمعیت.
	تغییر در سرمایه‌های اجتماعی	کاهش همکاری‌ها و فعالیت‌های مشترک اقتصادی بین روستاییان، کاهش همکاری روستاییان در فعالیت‌های عمرانی روستا، کاهش صمیمیت و ارتباطات همسایگی بین روستاییان، برهم خوردن بافت و شبکه اجتماعی همگون روستاها.
	کاهش دل‌بستگی به محیط روستایی	ایجاد گرایی شدید به زیرساخت و ساز بردن اراضی کشاورزی از سوی روستاییان، کاهش شدید رغبت روستاییان به فعالیت‌های تولیدی روستایی و جذب شدن بیشتر آن‌ها به فعالیت های خدماتی و کاذب شهری، فروش زمین‌های کشاورزی و باغی، ترجیح دادن روستاییان به سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی کسب و کار در شهر نسبت به روستا.
	وابستگی به شهر	افزایش وابستگی در تأمین مواد غذایی و لبنی به شهر، عدم چندکارکردی مانند مسکن روستاها، کاهش وسعت باغات.
نارسایی های اقتصادی	ناهنجاری‌ها و نابرابری‌های اجتماعی	افزایش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی درون روستاها، افزایش احساس فقر، افزایش میزان جرم‌های فردی.
	نارسایی‌های اشتغال	افزایش بیکاری، کاهش سطح فعالیت و اشتغال زنان
نارسایی های کیفیت بصری و تخریب محیط طبیعی	افزایش هزینه‌ها و کاهش درآمد و پس‌انداز	کاهش درآمد، کاهش توان تأمین هزینه‌های خانوار، کاهش میزان پس‌انداز و قدرت خرید روستاییان، افزایش قیمت محصولات تولیدی و کارگران روزمزد، افزایش اجاره بهای مسکن و مغازه‌ها.
	تغییر چشم‌انداز روستایی	تغییر منظر و سیمای روستا به شهری، تغییر کاربری اراضی کشاورزی، تخریب اراضی طبیعی.
نارسایی‌های نهادی-مدیریتی	افزایش آلودگی‌های محیطی	تزدیکی به مشاغل مزاحم، افزایش ضعف‌های سیستم‌های دفع فاضلاب، افزایش آلودگی‌های زیست محیطی.
	ضعف در سازماندهی، برنامه‌ریزی	افزایش فاصله بین شوراها و دهیاران با مردم محلی، حجم زیاد مشکلات و معضلات ایجاد شده و ناتوانی دهیارها در کنترل و مدیریت وضعیت، عدم تناسب اعتبارات اختصاص یافته با حجم مشکلات و جمعیت روستاها به دهیاری‌ها.
	ضعف در نظارت بر ساخت و سازها	وجود بیش از اندازه بورس بازی زمین، نگاه شهرداری و مسئولین به عنوان منبعی برای تأمین درآمد به اراضی اطراف این روستاها، بی‌توجهی مدیریت شهری بر ارتباطات روستا-شهری در روستاهای در حریم شهر، چالش قوانین و مقررات متناقض در حوزه توسعه کالبدی روستاهای پیرامون شهر، عدم اجرای طرح و برنامه مشخص جهت مدیریت و ساماندهی اراضی این روستاها، افزایش تعداد و تراکم جمعیت در حاشیه راه‌های اصلی منتهی به شهر، افزایش میزان کاربری مسکونی در نواحی روستایی نسبت به سایر کاربری‌ها.
بهبود زیرساخت‌های کالبدی	بهبود وضعیت دسترسی و خدمات‌دهی	افزایش ساخت و سازهای غیرقانونی، عدم وجود ضمانت اجرایی و برخورد قاطع در برخورد با تخلفات ساختمانی، عدم نظارت صحیح بر ساخت و سازها.
	افزایش ارزش اقتصادی زمین و مسکن	بهبود وضعیت جمع‌آوری زباله‌های از سطح روستا، افزایش تعداد مغازه‌های خرده‌فروشی سطح روستاها، بهبود وضعیت حمل و نقل و ارتباط با شهر، دسترسی به مراکز بهداشتی و امدادی، بهبود وضعیت دسترسی به انواع انرژی، بهبود وضعیت آنتن‌دهی موبایل و اینترنت.
		کاهش فضاهای ترسناک عمومی محیط روستا با افزایش ساخت و سازها، نوسازی مسکن، افزایش ارزش اقتصادی زمین‌های روستا (کشاورزی و مسکونی).

یافته های استنباطی

در ادامه تحلیل یافته ها در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، محیطی، مدیریتی و کالبدی مورد بررسی قرار گرفته که به تفکیک به شرح ذیل می باشد.

الف: بعد اجتماعی

همانطور که نتایج آزمون t تک نمونه‌ای جدول (۵) که در آن مقدار میانگین برابر ۳ به عنوان مطلوبیت عددی و مورد انتظار در نظر گرفته شده است؛ نشان می‌دهد در بعد نارسایی‌های اجتماعی تمامی شاخص‌ها و پیامدهای منفی شناسایی شده در ارتباط با تاثیرات خزش شهری بر توسعه روستایی روستاهای پیرامون شهری شهر مریوان مورد تایید قرار گرفته است. در این میان شاخصی که در این بعد با دارا بودن بیشترین مقدار آماره t و مقدار میانگین محاسبه شده برابر ۳/۶۹، بیشترین تاثیر منفی را از توسعه افقی شهر مریوان پذیرفته است، شاخص دل بستگی به محیط‌های روستایی می‌باشد. در مقابل شاخص سرمایه‌های اجتماعی به عنوان شاخصی است که با کمترین مقدار میانگین محاسبه شده برابر ۳/۱۸ و در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۵ تاثیرات خزش شهری بر آن محاسبه شده است. در مجموع نیز میانگین محاسبه شده برابر ۳/۳۵، در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ و آماره مثبت هر دو حد بالا و پایین، نشان دهنده اثرگذاری پدیده خزش شهری در سطح اطمینان ۹۹ درصد بر افزایش نارسایی‌های بعد اجتماعی توسعه روستاهای پیرامون شهر مریوان می‌باشد. این در حالیست که همیشه نواحی روستایی به عنوان محیط‌هایی شناخته می‌شوند که از حیث شاخص‌های اجتماعی مانند سرمایه‌های اجتماعی، ارزش‌ها و ساختارهای عرفی و سنتی و کم بودن ناهنجاری‌ها و نابرابری‌ها در وضعیت رضایت بخشی قرار دارند بر این اساس رقم خوردن این وضعیت در روستاهای واقع در حریم شهر مریوان نه تنها مانع توسعه این نواحی روستایی شده بلکه در آینده نیز، خطر مهم و مشکل آفرینی برای شهر مریوان خواهد شد چرا که بر پایه اصل ارتباط فضایی و دیدگاه سیستمی، شهر و روستا دارای ارتباط متقابلی بوده که قطعاً ضعف یکی ضعف دیگری را در پی خواهد داشت. برای نمونه این نواحی روستایی که محتمل‌ترین حالت برای آنها در آینده نه چندان دور، تلفیق و الحاق به شهر مریوان خواهد بود، سطح نازل سرمایه‌های اجتماعی، روستاها را به عنوان نقاط مسئله دار و بحران آفرین اجتماعی در آینده بوجود می‌آورد.

جدول (۵). آزمون T تک نمونه ای دیدگاه پاسخگویان در ارتباط اثرات خزش شهری بر بعد اجتماعی روستاهای پیرامون

مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۳								
ابعاد	مولفه‌ها (شاخص‌ها)	تفاوت از حد مطلوب	درجه آزادی	معنی داری	آماره آزمون T	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		نتیجه
						پایین تر	بالا تر	
تایید	تغییر ارزش و ساختارهای اجتماعی	۰/۲۷۹	۲۳۲	۰/۰۰۰	۴/۲۲	۳/۲۷	۰/۱۵۴	۰/۴۲۴
	تغییر در سرمایه‌های اجتماعی	۰/۱۸۲	۲۳۲	۰/۰۱۲	۲/۵۳	۳/۱۸	۰/۰۴۰	۰/۳۲۴
	کاهش دل بستگی به محیط روستایی	۰/۶۹۹	۲۳۲	۰/۰۰۰	۹/۳۱	۳/۶۹	۰/۵۵۱	۰/۸۴۷
	وابستگی به شهر	۰/۳۴۱	۲۳۲	۰/۰۰۰	۴/۵۵	۳/۳۴	۰/۱۹۵	۰/۴۹۳

ناهنجاری‌ها و نابرابری‌های اجتماعی	۰/۲۵۰	۲۳۲	۰/۰۰۲	۳/۲۶	۳/۲۵	۰/۰۹۹	۰/۴۰۱	تایید
مجموع	۰/۳۵۴	۲۳۲	۰/۰۰۰	۱۰/۶۵	۳/۳۵	۰/۲۸۸	۰/۴۱۸	تایید

ب- بعد اقتصادی

بررسی وضعیت تغییرات شاخص‌های بعد اقتصادی توسعه نواحی روستایی واقع در حریم شهر مریوان با متاثر شدن آنها از پدیده خزش شهری نشان می‌دهد که این پدیده بر هر دو شاخص این بعد، یعنی نارسایی‌های اشتغال و افزایش هزینه‌ها، کاهش درآمد و پس‌انداز در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ و با میانگین‌های محاسبه شده برابر ۳/۴۴ و ۳/۳۵ تاثیرگذار بوده است تا در مجموع نیز، نارسایی‌های اقتصادی در توسعه روستایی نواحی پیرامون شهری مریوان با میانگین محاسبه شده برابر ۳/۴۰ در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ و با اطمینان ۹۹ درصد تایید گردد. بعد اقتصادی به عنوان یکی از پایه‌های اصلی توسعه روستایی و در واقع به عنوان موتور محرکه توسعه روستایی محسوب می‌شود که بایستی جهت تحقق توسعه در ابتدا به این بعد توجه و دو شاخص مهم آن یعنی فقر و بیکاری، مهار گردند این در حالی است که در منطقه مورد مطالعه وضع بگونه‌ای دیگر رقم خورده و توسعه افقی شهر با از بین بردن، جذب و تغییر مهم‌ترین سرمایه‌های معیشتی مردم محلی یعنی زمین‌های کشاورزی و مشاغل بومی روستایی که مبتنی بر زراعت، دامداری و باغداری بودند زمینه ساز افزایش بیکاری، کاهش تولیدات و در نتیجه کاهش درآمد و به دنبال آن وابستگی به شهر و در نهایت افزایش هزینه‌های خانوار شده و این امر به معنی افزایش فقر است و فقر نیز که ارتباط مستقیمی با آسیب‌پذیری نواحی روستایی دارد موجب افزایش آسیب‌پذیری این دسته از روستا در برابر تهدیدهای طبیعی و انسانی می‌گردد و در طول زمان با کاهش سرمایه‌ها و پس‌اندازهای مردم محلی، زمینه ساز افزایش بیشتر فقر آنها و در نهایت عدم توسعه و ایجاد سطح نازل زندگی برای روستاییان می‌شود جدول (۶).

جدول (۶). آزمون T تک نمونه‌ای دیدگاه پاسخگویان در ارتباط اثرات خزش شهری بر بعد اقتصادی روستاهای پیرامون

ابعاد	مولفه‌ها (شاخص‌ها)	تفاوت از حد مطلوب	درجه آزادی	معنی داری	آماره آزمون T	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		نتیجه	
						پایین تر	بالا تر		
						میانگین			
تخریب محیط طبیعی	نارسایی‌های اشتغال	۰/۴۴۸	۲۳۲	۰/۰۰۰	۵/۴۳	۳/۴۴	۰/۲۸۶	۰/۶۱۱	تایید
	افزایش هزینه‌ها و کاهش درآمد و پس‌انداز	۰/۳۵۷	۲۳۲	۰/۰۰۰	۴/۸۸	۳/۳۵	۰/۲۱۳	۰/۵۰۱	تایید
	مجموع	۰/۴۰۲	۲۳۲	۰/۰۰۰	۷/۲۹	۳/۴۰	۰/۲۹۴	۰/۵۱۱	تایید

ج- بعد محیطی

در بعد نارسایی‌های کیفیت بصری و تخریب محیط طبیعی نیز، بررسی شاخص‌ها نشان می‌دهد که روستاهای متاثر از پدیده خزش شهری در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ با افزایش آلودگی‌های محیط زیست با میانگین ۳/۳۹ و تغییر و تخریب چشم‌انداز طبیعی با میانگین ۳/۳۶ روبرو شده‌اند. در مجموع نیز میانگین محاسبه شده برابر ۳/۳۸، در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، مقدار مثبت آماره t و هر دو حد بالا و پایین نشان دهنده تاثیر خزش

شهری و توسعه افقی شهر مریوان در افزایش نارسایی‌های کیفیت بصری و تخریب محیط طبیعی در روستاهای پیرامون شهر مریوان شده‌است. محیط طبیعی بسترساز فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در محیط روستایی محسوب شده و یکی از قطب‌های اصلی دستیابی به توسعه روستایی است چرا که روستا با طبیعت عجین شده است و زمانی که همانند منطقه مورد مطالعه پدیده خزش شهری موجب دست‌اندازی به زمین‌های کشاورزی و محیط طبیعی روستاها شده و آنها را تغییر داده و تخریب می‌کند تا سازه‌های شهری استقرار یابند قدر مسلم دیگر با از بین رفتن و تحلیل محیط طبیعی یکی از پایه‌های اصلی و هویت روستایی از بین رفته و با توجه به تاثیر و ارتباط متقابل عرصه‌ها و توان‌های طبیعی روستایی با رشد اقتصادی، تحرک اقتصادی انجام نگرفته و رکود بر فضای روستایی مستولی می‌گردد (جدول ۷).

جدول (۷). آزمون T تک نمونه‌ای دیدگاه پاسخگویان در ارتباط اثرات خزش شهری بر ابعاد محیطی روستاهای پیرامون

مطلوبیت عددی مورد آزمون=۳									
ابعاد	مولفه ها(شاخص‌ها)	تفاوت از حد مطلوب	درجه آزادی	معنی داری	آماره آزمون T	میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		نتیجه
							پایین تر	بالا تر	
نارسایی‌های کیفیت بصری و تخریب محیط طبیعی	تغییر چشم انداز روستایی	۰/۳۶۳	۲۳۲	۰/۰۰۰	۵/۰۹۲	۳/۳۶	۰/۲۲۱	۰/۵۰۲	تایید
	افزایش آلودگی‌های محیطی	۰/۳۹۱	۲۳۲	۰/۰۰۰	۵/۰۸۴	۳/۳۹	۰/۲۵۱	۰/۵۳۲	تایید
	مجموع	۰/۳۸۳	۲۳۲	۰/۰۰۰	۷/۰۴۲	۳/۳۸	۰/۲۸۲	۰/۵۱۲	تایید

د- بعد نهادی - مدیریتی

بررسی وضعیت تغییرات شاخص‌های بعد نهادی و مدیریت در روستاها و ارتباط آن با شهر مریوان در آزمون t تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که در سطح معنی داری ۰/۰۰۱، پدیده خزش شهری موجب افزایش معضلات دهیاری‌ها با میانگین محاسبه شده برابر ۳/۲۹، ضعف در سازماندهی برنامه‌ریزی با میانگین ۳/۳۷ و ضعف در نظارت بر ساخت‌وسازها با میانگین ۳/۴۲ شده است تا در مجموع نیز محاسبه میانگین برابر ۳/۳۶ و مقدار مثبت و مطلوب آماره t در سطح معنی داری ۰/۰۰۱ نشان دهد که با اطمینان ۹۹ درصد پدیده خزش شهری موجب ایجاد معضلاتی در عرصه مدیریتی و نهادی توسعه روستاها و ارتباط آنها با شهر مریوان شده است. مدیریت روستایی به عنوان بعدی از توسعه روستایی که موجب هماهنگی و ترکیب سایر ابعاد و توان‌های توسعه و هدایت مردم محلی در راستای حرکت در مسیر توسعه و تحقق اهداف آن می‌شود، اهمیت زیادی در بحث توسعه روستایی و سامان دادن به ارتباطات روستا-شهری در روستاهای پیرامون شهری خواهد داشت. در منطقه مورد مطالعه این ضعف مدیریت هم در مدیریت روستایی با ایجاد چالش‌هایی برای دهیاری‌ها و بنیاد مسکن و هم در عرصه شهری با ایجاد معضلات و نمایان شدن ناکارآمدی‌هایی برای شهرداری مشاهده می‌شود تا برآیند این دو، وضعیت نامطلوب ارتباطات روستا-شهری بین شهر مریوان و روستاهای واقع در حریم آن باشد و نوعی بی‌نظمی و سردرگمی که هم اکنون مشاهده می‌گردد به وقوع بپیوندد که نمود این امر را می‌توان

در یکی از نکات کلیدی در مصاحبه‌های مردم محلی یافت که آخر مسئول کیست؟! البته این ضعف مدیریت فقط در مرحله طراحی و برنامه‌ریزی نبوده و در مرحله طرح‌ریزی و نظارت نیز مشاهده می‌شود به گونه‌ای که ضعف در نظارت موجب توسعه ساخت و سازهای غیرمجاز و ناهمگون شدن و بهم ریختگی بافت کالبدی روستا و ساختار فضایی حریم شهر می‌شود جدول (۸).

جدول (۸). آزمون T تک نمونه‌ای دیدگاه پاسخگویان در ارتباط اثرات خزش شهری بر بعد مدیریتی روستاهای پیرامون

مطلوبیت عددی مورد آزمون=۳									
نتیجه	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		میانگین	آماره آزمون T	معنی داری	درجه آزادی	تفاوت از حد مطلوب	مؤلفه‌ها (شاخص‌ها)	ابعاد
	پایین تر	بالا تر							
تایید	۰/۴۵۴	۰/۱۲۶	۳/۲۹	۳/۴۹	۰/۰۰۲	۲۳۲	۰/۲۹۰	معضلات دهیاری‌های	نارسایی‌های نهادی- مدیریتی
تایید	۰/۴۲۶	۰/۳۰۵	۳/۳۷	۱۱/۸۸	۰/۰۰۰	۲۳۲	۰/۳۷۵	ضعف در سازماندهی، برنامه‌ریزی	
تایید	۰/۵۴۴	۰/۲۹۶	۳/۴۲	۶/۶۹	۰/۰۰۰	۲۳۲	۰/۴۲۰	ضعف در نظارت بر ساخت و سازها	
تایید	۰/۴۲۹	۰/۲۸۸	۳/۳۶	۱۰/۹۸	۰/۰۰۰	۲۳۲	۰/۳۶۱	مجموع	

و- بعد کالبدی

اما در کنار تاثیرات منفی خزش شهری بر توسعه نواحی روستایی حریم شهر، این توسعه افقی به صورت محدود در شاخص بهبود وضعیت دسترسی و خدمات‌دهی با میانگین محاسبه شده برابر ۳/۴۲ و افزایش ارزش اقتصادی زمین و مسکن با میانگین برابر ۳/۴۷ و در مجموع نیز با بهبود زیرساخت‌های کالبدی در سطح میانگین محاسبه شده برابر ۳/۴۵ در سطح اطمینان ۹۹ درصد اثرگذاری مثبت داشته است. بهبود دسترسی روستاها و ارتباطات آنها با شهر مریوان به دلیل گسترش افقی شهر و نزدیک شدن شهر به آنها و در نتیجه اهتمام مسئولین جهت پیوند بهتر این روستاها با شهر به منظور بسترسازی جهت گسترش شهر به این قسمت‌ها بوده است و از سویی دیگر نیز، باید توجه داشت که با افزایش قیمت زمین‌های کشاورزی و مسکونی نواحی روستایی واقع در حریم شهر، چنانچه این زمین‌ها جهت پاسخگویی به میل مصرف زیاد روستاییان و از روی بی‌تدبیری به فروش نرسند و همچنان به ویژه زمین‌های کشاورزی و باغی کارکرد تولیدی خود را ادامه دهند، می‌توان گفت که خزش شهری با افزایش و حفظ این دسته از سرمایه‌های مردم، موجب جلوگیری از کاهش سطح سرمایه‌های معیشتی مردم محلی شده است اما چنانچه همانند روستاهای واقع در محدوده مورد مطالعه بسیاری از این زمین‌ها به فروش برسند و وارد بورس بازی زمین گردند هرچند به صورت مقطعی و کوتاه مدت درآمد روستاییان افزایش می‌یابد اما در ادامه به دلیل از دست رفتن این منبع درآمدی و معیشتی (زمین) در نواحی روستایی که از مشاغل خدماتی و صنایع تبدیلی خبری نیست، فقر روستاییان افزایش و با توجه به ارتباط نزدیک فقر و آسیب‌پذیری، در نهایت ناپایداری توسعه را برای روستاها به همراه خواهد آورد جدول (۹).

جدول (۹). آزمون T تک نمونه ای دیدگاه پاسخگویان در ارتباط اثرات خزش شهری بر بعد کالبدی روستاهای واقع در حریم شهر

مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۳									
نتیجه	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		میانگین	آماره آزمون T	معنی داری	درجه آزادی	تفاوت از حد مطلوب	مولفه ها (شاخص ها)	ابعاد
	پایین تر	بالا تر							
تایید	۰/۵۴۰	۰/۳۱۵	۳/۴۲	۷/۵۰	۰/۰۰۰	۲۳۲	۰/۴۲۵	بهبود وضعیت دسترسی و خدمات دهی	بهبود زیرساخت های کالبدی
تایید	۰/۵۸۰	۰/۳۷۸	۳/۴۷	۹/۳۲	۰/۰۰۰	۲۳۲	۰/۴۷۹	افزایش ارزش اقتصادی زمین و مسکن	
تایید	۰/۵۳۱	۰/۳۷۵	۳/۴۵	۱۱/۴۶	۰/۰۰۰	۲۳۲	۰/۴۵۳	مجموع	

نتیجه گیری

پژوهش حاضر به شناسایی و تحلیل اثرات پدیده خزش شهری به صورت رسمی و غیررسمی بر وضعیت توسعه نواحی روستایی شهرستان مریوان پرداخت. سوال اصلی پژوهش مبنی بر این مطلب بود که مهم ترین پیامدهای پدیده خزش شهری بر توسعه پایدار نواحی روستایی پیرامون شهر کدامند؟ به منظور پاسخگویی به این سوال از روش مصاحبه های نیمه ساختارمند بهره گرفته شد و سپس تجزیه و تحلیل مصاحبه ها با تکنیک تئوری بنیادی، مهمترین پیامدها و تاثیرات خزش شهری بر روستاهای واقع در حریم شهر مریوان در قالب ۵ بعد یا مقوله مرکزی که عبارت بودند از: نارسایی های اجتماعی، نارسایی های اقتصادی، نارسایی های کیفیت بصری و تخریب محیط طبیعی، نارسایی های مدیریتی و نهادی و بهبود زیرساخت های کالبدی مشتمل بر مولفه های بهبود وضعیت دسترسی و خدمات دهی و افزایش ارزش اقتصادی زمین و مسکن، شناسایی گردیدند که در ادامه نتیجه آزمون t تک نمونه ای نشان داد که در بین ابعاد و مولفه های مرکزی شناسایی شده نارسایی های اجتماعی با میانگین ۳/۳۵، و اقتصادی با میانگین ۳/۴۰، و کیفیت بصری و تخریب محیط طبیعی با میانگین ۳/۳۸، و نهادی-مدیریتی با میانگین ۳/۳۶، بهبود زیرساخت های کالبدی با میانگین ۳/۴۵ مورد تایید، قرار گرفتند. همانطور که ملاحظه می گردد پدیده خزش شهری بر روستاهای مورد مطالعه هم تاثیرات مثبت داشته است و هم تاثیرات منفی. اما باید توجه داشت که بیشتر تاثیرات مثبت که در مقابل پیامدهای منفی هم کم رنگ می باشند در جنبه کالبدی بوده و این در حالیست که توسعه روستایی دارای جنبه های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و مدیریتی - نهادی نیز می باشد. در میان تاثیرات مثبت، متغیر افزایش ارزش اقتصادی زمین های کشاورزی و مسکونی روستاییان با میانگین ۳/۸۳ دارای بیشترین میانگین حاصله و در واقع موافقت مردم محلی با تاثیر مثبت پدیده خزش شهری در بهبود وضعیت این متغیر بود. لازم به ذکر است که حتی با وجود اینکه افزایش ارزش اقتصادی زمین های کشاورزی و مسکونی نواحی روستایی به واسطه نزدیک شدن شهر مثبت می باشد و در ظاهر به معنی افزایش سرمایه های معیشتی مردم محلی است اما بایستی توجه داشت که این وضعیت مثبت حالت موقتی و کوتاه مدت داشته و حتی می تواند زمینه های تاثیرات منفی بر سایر ابعاد و متغیرهای توسعه روستایی را فراهم آورد، همچنانکه در منطقه مورد مطالعه این افزایش قیمت موجب شده تا

روستاییان با فروش زمین‌های خود به عنوان مهم‌ترین سرمایه معیشتی در نواحی روستایی به طور موقت صاحب درآمدی شوند که این افزایش درآمد در بیشتر موارد صرف میل مصرف زیاد روستاییان و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های خدماتی شهری و پرداختن به مشاغل در شهر شده است مانند خرید و فروش ماشین و یا واسطه‌گری و ... که سختی با تخصص و محیطی که روستاییان در آن رشد یافته‌اند، ندارد و همین امر شکست این فعالیت‌ها را برای آنها در پی داشته و این در حالی است که آنها مهم‌ترین منبع پایدار درآمد خود یعنی زمین کشاورزی را دیگر در اختیار ندارند، از سویی دیگر نیز همانطور که گفته شد این سرمایه به داخل شهر انتقال یافته و صرف بهبود اقتصادی شهری می‌گردد و این در حالیست که در داخل روستاها کمبود زمین و مسکن موجب افزایش قیمت اجاره‌ها شده و خرید مسکن برای خود روستاییان به ویژه جوانان روستایی که در فکر تهیه منزل مستقل و تشکیل خانواده هستند را با دشواری روبرو می‌سازد. از سویی دیگر نیز، با فروش و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی، تولیدات روستاییان کاهش یافته بدین ترتیب درآمدهای آنها کم می‌شود و این به معنی بیکار شدن اعضای خانوار و افزایش فقر روستایی است.

در میان مولفه‌های بعد نارسایی‌های اجتماعی، مولفه (شاخص) کاهش دلبستگی به محیط روستایی با میانگین ۳/۶۹ با بیشترین تاثیر منفی همراه بود. در واقع در این بعد، وضعیت بدین ترتیب رقم خورده است که تاثیرات منفی خزش شهری بر تغییر ارزش و ساختارهای اجتماعی؛ از یک سو موجب افزایش وابستگی به شهر و از سویی دیگر موجب کاهش سرمایه‌های اجتماعی و به دنبال آن افزایش ناهنجاری‌ها و نابرابری‌های اجتماعی گردیده که در نهایت، موجب عدم دلبستگی به محیط روستایی و تغییر تصویر ذهنی روستاییان از محیط روستا و تمایل آنها به زندگی شهری و زندگی کردن در شهر می‌شود.

در بعد نارسایی‌های اقتصادی، این مولفه یا شاخص نارسایی‌های اشتغال با میانگین محاسبه شده برابر ۳/۴۴ می‌باشد که بیشترین تاثیر منفی را از روند خزش شهری پذیرفته بود. در این ارتباط، بایستی عنوان کرد که افزایش بیکاری پنهان و آشکار ناشی از تغییر کاربری اراضی روستایی و تغییر تصور روستاییان از فرد روستایی تولیدگر به فردی مصرف‌کننده، مطابق با ایده‌آل‌های شهری موجب کاهش درآمد، افزایش هزینه‌های مصرفی و در نهایت، کاهش پس‌اندازهای خانوارهای روستایی مورد مطالعه گردیده‌است. با توجه به این مطلب که بعد اقتصادی به عنوان محرک توسعه و یکی از عوامل اصلی پایداری نظام معیشتی آسیب‌پذیر روستایی در بحران‌های انسانی و طبیعی به شمار می‌رود، نارسایی‌های اقتصادی ضربه بزرگی بر وضعیت تاب‌آوری روستاهای مورد مطالعه در مسیر تحقق پایداری خواهد بود.

در بعد نارسایی‌های کیفیت بصری و تخریب محیط طبیعی این مولفه افزایش آلودگی‌های محیطی با میانگین محاسبه شده برابر ۳/۳۹ بود که بیشترین تاثیر منفی را از پدیده خزش شهری پذیرفته است. در واقع، افزایش انتقال مشاغل آلوده کننده به نزدیکی این روستاها، افزایش تولید زباله و فاضلاب‌های خانگی و صنعتی ناشی از مشاغل مزاحم و تخلیه آنها در طبیعت همراه با کاهش فضای سبز و تخریب طبیعت بکر منطقه با افزایش ساخت و سازها به سبک شهری، نارسایی‌های کیفیت بصری و تخریب محیط طبیعی به وجود آمده است. در بعد دیگر یا مقوله مرکزی نارسایی‌های نهادی- مدیریتی، مولفه ضعف در نظارت بر ساخت و سازها با میانگین محاسبه شده برابر ۳/۴۲ بیشترین تاثیر منفی را از خزش و توسعه افقی شهر پذیرفته است. در این بعد

با توجه به مولفه‌های شناسایی شده می‌توان بیان کرد که با توجه به فقدان دید سیستمی و اصل ارتباطات فضایی در روابط روستاشهری، برنامه‌ریزی و سازماندهی مطلوبی در راستای سامان دادن به وضعیت شهر مریوان که با سرعت زیادی توسعه فیزیکی یافته است در ارتباط با روستاهای پیرامونش صورت نگرفته و می‌توان گفت این بی‌برنامه بودن و فقدان آینده‌نگری موجب شده است تا با افزایش خزش شهری، ساخت‌وسازهای بیشتری صورت گیرد ساخت‌وسازهایی که به دلیل نوعی سردرگمی مدیریتی و نظارت ضعیف در محیطی که بالقوه با نظارت کمتری نسبت به محدوده شهر همراه است باعث شده تا درهم ریختگی فضایی رخ داده و وضعیت کالبدی و نظم ساختار فضایی منطقه بهم بخورد و در این راستا نیز، یکی از پیامدهای مهم آن افزایش مشکلات دهیاری روستاهایی باشد که از این وضعیت نابسامان متأثر می‌شوند که با افزایش جمعیت، کمبود اراضی محدوده روستا، ناهمگونی بافت اجتماعی داخل روستا و کمبود بودجه برای حل مشکلاتی که روزه روز افزایش یافته و شدت می‌یابند، رو به رو شوند.

در ارزیابی مقایسه نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های پیشین می‌توان این گونه بیان کرد که نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های سعیدی و همکاران (۱۳۹۲)، افراخته و حجتی پور (۱۳۹۲)، جلالیان و همکاران (۱۳۹۲)، چالتوتانا (۲۰۱۴)، بنایی (۲۰۱۴) و دوگان (۲۰۰۵) همسو و هم جهت بوده و خزش شهری در منطقه مورد مطالعه نارسایی‌هایی را در ابعاد مختلف (اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی- مدیریتی) به دنبال داشته است و با نتایج پژوهش وارثی و همکاران (۱۳۹۱) در تناقض است چرا که خزش شهری طی ۱۰ سال گذشته در منطقه مورد مطالعه، نه تنها کمتر نشده بلکه طی سالهای ۱۳۹۵-۱۳۸۵ شدت بیشتری یافته است. همچنین با نتایج تحقیق اکلاین (۲۰۱۲) در تناقض است چرا که تغییر کاربری اراضی بیشتر مربوط به خزش شهری بوده و خزش روستایی به معنای واقعی در منطقه مورد مطالعه اتفاق نیفتاده است.

در نهایت با توجه به یافته‌های پژوهش، راهکارهای ذیل در راستای بهبود وضعیت توسعه نواحی روستایی پیرامون شهری شهر مریوان که به شدت تحت تاثیر پیامدهای منفی خزش شهری قرار گرفته‌اند، ارائه می‌گردد:

- ۱- افزایش ارتباطات و همکاری‌های متقابل روستاییان با آگاهی دادن به دهیاری‌ها و حتی حمایت از تاسیس و فعالیت گروه‌های مردم نهاد در این دسته از روستاها.
- ۲- ایجاد تنوع اقتصادی در این دسته از روستاها. در این زمینه کشاورزی به عنوان شغل اصلی مطرح بوده و فعالیت‌های دیگری همانند ایجاد صنایع تبدیلی کوچک دامداری و کشاورزی راهکاری اثر بخش خواهد بود.
- ۳- بهره‌گیری از آموزش‌های رسمی (مدارس) و غیررسمی از طریق آگاهان محلی و مسئولین دینی روستاها در ارتباط با اهمیت حفظ محیط طبیعی در بقای نواحی روستایی.
- ۴- جلوگیری از انتقال مشاغل مزاحم و آلوده کننده به حاشیه روستاها و اقدامات مناسب مانند مکانیابی صحیح و الزام این دسته از مشاغل به رعایت قوانین محیط زیستی.
- ۵- ایجاد ارتباط متقابل بین دهیاری و شوراهای این روستاها با شهرداری و شورای شهر مریوان به منظور شناسایی مشکلات و ارائه راهکارهایی که هم منافع روستاها تامین گردد و هم منافع شهر.

- ۶- بهبود وضعیت شهرداری مریوان از لحاظ مالی و ایجاد درآمد پایدار برای آن به منظور کم رنگ نمودن بعد مالی و درآمدی گرفتن جریمه‌ها از ساخت و سازهای غیرقانونی در این اراضی.
- ۷- تشکیل نهادی واحد و مرکب از ارگان‌های توسعه‌ای شهری و روستایی به منظور هماهنگ نمودن اقدامات و بهبود وضعیت روستاهای پیرامون شهری و اراضی واقع در حریم شهر مریوان.
- ۸- ایجاد این تفکر در مدیران شهری که تا زمانی که مشکلات و معضلات روستاها حل نگردد، شهر همچنان با معضلات بیشتری روبرو خواهد شد.
- ۹- افزایش نظارت و برخورد قاطع در اراضی پیرامون شهری که با نظارت ضعیف و سردرگمی مسئولین نظارتی، همواره با افزایش ساخت و سازهای غیرقانونی روبه رو است.

منابع

- اسماعیل زاده، خالد (۱۳۹۲)، ارزیابی اثرات ایجاد بازارچه‌های مرزی بر توسعه اقتصادی روستاهای پیرامون آن‌ها نمونه مورد مطالعه: دهستان نور، شهرستان بانه، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه زنجان.
- افراخته، حسن. (۱۳۹۲)، نقش جریان‌های فضایی در فرایند خزش روستایی (مطالعه موردی: ناحیه سلیمان آباد)، فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی - فضایی، ۱(۲): ۲۴-۹.
- افراخته، حسن؛ حجتی پور، محمد. (۱۳۹۲). خزش شهری و پیامدهای آن در توسعه پایدار روستایی (مورد: روستاهای پیرامونی شهر بیرجند)، فصلنامه جغرافیا (فصلنامه بین المللی انجمن جغرافیا)، ۱۱(۳۹): ۱۸۵-۱۵۸.
- جلالیان، حمید؛ ضیائیان، پرویز؛ دارویی؛ پرستو؛ کریمی خدیجه. (۱۳۹۲). تحلیل خزش شهری و تحولات کاربری اراضی (مطالعات تطبیقی شهرهای ارومیه و اصفهان)، فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی - فضایی، ۲(۴): ۷۳-۹۸.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۴) تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم سازی تئوری بنیادی، نشریه دانشور رفتار، ۱۲(۱۱): ۷۰-۵۷.
- رضوانی، محمد رضا، (۱۳۸۸)، مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، چاپ اول انتشارات قومس، تهران
- سعیدی، عباس؛ رحمانی فضلی، عبدالرضا؛ احمدی، منیژه. (۱۳۹۲). الحاق شهری سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهر زنجان؛ مورد: روستاهای سایان و گاوازنگ، مجله مسکن و محیط روستا، ۳۳(۱۴۵): ۱۶-۳.
- فرتوک زاده، حمید رضا، وزیری، جواد (۱۳۸۸) شایستگی دستیابی به سامانه های دفاعی؛ یک نظریه داده بنیان، فصلنامه سیاست علم و فناوری، ۶(۶): ۹۹-۷۷.
- کارگر، بهمن و رحیم، سرور (۱۳۹۰). شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

- کریمی دهکردی، مهدی، کلانتری، حلیل (۱۳۹۰) شناسایی مشکلات گردشگری روستایی استان چهارمحال و بختیاری با استفاده از تکنیک تئوری بنیانی، فصلنامه پژوهشهای روستایی، ۲(۷):۳۰-۱.
- مشکینی، ابوالفضل؛ مهدنژاد، حافظ و پرهیز، فریاد (۱۳۹۲). الگوهای فرانوگرایی در برنامه ریزی شهری، چاپ اول. تهران، انتشارات امید انقلاب،
- نجفی کانی، علی اکبر؛ صادقی، نوشین؛ رحمانی، مریم (۱۳۹۲). چالشها و راهبردهای توسعه فضایی روستاهای الحاقی به شهر گرگان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۲(۳):۱۱۸-۱۰۱.
- وارثی، حمیدرضا؛ رجایی، جزین عباس؛ قنبری، محمد (۱۳۹۱). تحلیلی بر عوامل خزش شهری و رشد فیزیکی شهر گناباد با استفاده از مدل های آنتروپی و هلدرن، فصلنامه آمایش سرزمین، ۴(۶): ۱۰۰-۷۹.
- Banai, R., (2014). **Urban Sprawl: Definition, Data, Methods of Measurement, and Environmental Consequences**, Journal of Sustainability Education Vol. 7 :2151-7452.
- Barrios, E,(2007), **Access to Rural Development :Household Perceptions on Rural Development**,ADB Institute Discussion Paper No. 61.
- Bianca, M., et al.(2012). **Post-communist land use changes related tourban sprawl in the Romanian metropolitan areas**, Journal of Studies and Research in Human Geography, 6(1):pp35-46. Available from:www.humangeographies.org.ro. Accessed date: 2013/08/29.
- Doygun, H. (2005), **Urban development in Adana,Tourkey, and its environmental consequences** , International Journal of Environmental studies, Routledge, Vol 62, No.4.
- Eglin, R. (2010). **A New Village Region: Region Rural Sprawl**, Journal Transformer, 3(11), 213-234.
- Farrell, Chad R. (2008), **Bifurcation, Fragmentation or Integration? The Racial and Geographical Structure of US Metropolitan Segregation, 1990-2000**, in: Urban Studies, 45(3), 467-499.
- Hara, Y., Takeuchi, K. and Okubo, S. (2005), **Urbanization Linked with Past Agricultural Landuse Patterns in the Urban Fringe of a Deltaic Asian Mega-city: a Case Study in Bangkok**, in: Landscape and Urban Planning. 73, 16-28.
- Krieger, D. J. (1999). **Saving Open Spaces: public support for farmland protection**. American Farmland Trust Center for Agriculture in the Environment. National Conference Proceedings: The Ohio State University, Columbus, Ohio, September. Available from: <http://atvb.ahajournals.org/>.
- Lungo, M., (2001), **Urban Sprawl and Land Regulation in Latin America**, Land Lines, Volume 13 (2), 28-39.
- Meyer, W. B., B.L. Turner II, (1994), **change in land use and global perspective**, Cambridge University Press, Cambridge.
- Ostrom, E, (1990), **is governing the commons**, Cambridge University Press, Cambridge.